



تحلیل سیر هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز**

سمیه طلائی^۱، علی اکبری^۲، مهدی حمزه‌نژاد^۳

^۱ گروه معماری، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران، nazi_talaei@icloud.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ali.akbari۹۹۶۴@yahoo.com

^۳ گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، hamzenejad@iaust.ac.ir

چکیده

عام‌ترین، فضای قدسی، فضای طبیعت مخلوق خداوندی است که بیشترین قداست را به وسیله حق بودنش، ارائه می‌کند. فضای قدسی، مکانی است که در آن، جهان ما و جهان دیگر با یکدیگر مرتبط می‌شوند و با تصور اینکه از آغاز، تصویر سه منطقه کیهانی از ذهن بشر گذشته است، این موضوع تصدیق گشته است که چون به هم پیوسته نیستند، پس پیوستگی میان آن‌ها ناممکن است، زیرا در وهله نخست، گذار از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر و خاصه گذار از زمین به آسمان، فقط در فضای قدسی عبادتگاه امکان‌پذیر است. این امکان گذر از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر را می‌توان در عبادتگاه‌هایی از قبیل آرامگاه‌ها مشاهده کرد. در این راستا، فرضیه مطرح‌شده در نیل به هدف پژوهش، این است که با سیر هفت وادی عرفان از طریق عناصر معمارانه در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز می‌تواند ابزاری برای تداوم فرهنگی سنت ساخت بناهای قدسی در دوران کنونی باشد. از این‌رو، در پژوهش حاضر از روش تحقیق پساساختارگرایانه و تفسیری استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که هفت وادی عرفان از نگاه عطار که طلب، عشق، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا است که به غیر از فرم و هندسه این بنا، در جای‌جای این آرامگاه این هفت وادی به ارزنده‌ترین شکل مورد توجه معمار بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. فهم انحاء حضور به هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز.
۲. بررسی چگونگی ایجاد فضای قدسی براساس عرفان.

سؤالات پژوهش:

۱. حضور هفت وادی عرفان را چگونه می‌توان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز تبیین کرد؟
۲. آموزه‌های عرفان در تداوم فرهنگی ساخت بناهای قدسی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

**مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است که تحت عنوان «تبیین اسطوره‌شناختی عناصر چهارگانه در فهم معماری قدسی ایران مبتنی بر نگرش تداوم» به راهنمایی دکتر علی اکبری و مشاور دکتر حمزه‌نژاد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل کیش انجام شده است.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۴۹۱ الی ۵۰۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

فضای قدسی،
هفت وادی عرفان،
آرامگاه،
شیخ عبدالصمد نطنز.

ارجاع به این مقاله

طلائی، سیمیه، اکبری، علی، & حمزه نژاد، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیل سیر هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۴۹۱-۵۰۲.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.266616.1502)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.266616.1502](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.266616.1502)

مقدمه

معماری قدسی و ساخت فضای معنوی در ایران کنونی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست و آنچه ساخته می‌شود در راستای سنت تاریخی ساخت فضای قدسی در ایران قلمداد نمی‌شود. این درحالیست که معماری بناهای قدسی در ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری ایران در طول تاریخ بوده است و در دوران کنونی، تداوم و پیوستگی خود را از دست داده است. از این‌رو، پرداختن به راه‌کارها و رویکردهای فهم آن سنت و احصای اصول و مبانی بازتولید آن فضا، ضروری به‌نظر می‌رسد. امروزه در ساخت بناهای قدسی شاهد فراموشی اصول و معیارهای هنر و معماری قدسی گذشته هستیم. امر قدسی که در گذشته بسیار به آن توجه می‌شد و از طریق عناصر چهارگانه و اسطوره‌ها در بناهای قدسی القاء می‌شد، امروزه ناشناخته مانده است و پیوستار میان گذشته و حال همراه با امر اسطوره‌شناسی در بناهای قدسی، از بین رفته است. با این وجود که در جامعه اسلامی، انسان جانشین خدا بر روی زمین است که بر بسیاری مخلوقات برتری دارد و این جهان به‌عنوان مکانی برای زندگی او واقع شده همچنین از آنجا که هدف زندگی انسان جهت شکوفایی کمال نهفته در وجود خود، برای دستیابی به جهان حقیقت است و این زمین به‌عنوان وسیله‌ای جهت صلاحیت یافتن انسان جهت آمادگی به حیات جاوید است ضرورت پیش می‌آید که انسان، محیط و معماری (مسکن، فضا) خود را با فرهنگ دینی و معنوی برقرار نمایند؛ همان‌گونه که این ارتباط به‌وسیله هنر قدسی و معنوی در معماری گذشته ایرانی - اسلامی آمیخته شده است (مهدی‌نژاد و همکاران: ۲۰۱۶).

ایران، کانون تمدن اسلام به‌ویژه هنر اسلامی بوده است و مبانی هنر قدسی اسلام را می‌توان در این مرزوبوم جست‌وجو کرد. برای درک هنر قدسی باید معنای امر قدسی و نیز معنای هنر را درک کرد. همان هنری که امروز از در زندگی بشر به فراموشی سپرده شده و به انزوای عکس و قاب‌ها موزه‌ها منتهی شده است (ناصر: ۱۳۸۰). البته منشأ صدور امر قدسی، عالم حقیقت است که فوق عالم مادی است و نباید با آن اشتباه شود. هنر اسلام دارای گنجینه عمیق عرفانی و مفاهیم از ارزشمندی حکمت الهی است، زیرا این هنر ریشه در بنیان‌های عمیق تفکری معنوی و حقیقی دارد. این هنر معنوی با رمزپردازی و تزئینات وارد معماری قدسی می‌شود و معماری را استعلایی می‌کند (موسوی: ۱۳۹۲). معماری قدسی از ساحت معنا وجود می‌یابد. پژوهش در باب معماری قدسی و به‌طور کلی هنر معنوی از سوی اندیشمندانی چون نصر، بوركهارت و ... دنبال شده و هنوز هم جای کار بسیار دارد. هنر قدسی از سرچشمه روحانی مذهبی خاص الهام می‌گیرد و در نبوغ آن سهیم است (حق‌طلب و کاروان: ۲۰۱۲). زبان رمزی این هنر با قالب مذهب مزبور پیوند دارد؛ بنابراین، معماری قدسی و اصیل آن است که با تکیه بر اصول معماری معنوی بتواند فضای مادی و معنوی را به‌گونه‌ای فراهم کند که از خلوص، تعادل، صمیمیت و آرمش برخوردار باشد (صادقی و همکاران: ۲۰۱۶).

بارزترین تجلی‌گاه هویت و معنویت استعلایی انسان را می‌توان در لایه‌های پنهانی هنر قدسی بررسی کرد؛ هنری که در آن تمامی وجود انسان در فرآیند کشف حقیقت جنب‌وجوش می‌کند. راز و رمز هنر قدسی در همان حکمت،

معنویت و حقیقت‌نهایی آن خلاصه می‌شود که در کالبد معماری به شهود و بروز رسیده است. هنر در معماری قدسی فضا توسط صورهای استعاری و نمادین واقع در آن جنبه کیفی پیدا می‌کند (مرادی و همکاران: ۲۰۱۴).

فضای عبادتگاه، چه کوچک و چه شکوهمند، در اصل فضایی قدسی است که فضای عرفان بی حد و حصر و نسبتاً مجهول، آن را در میان گرفته است. این فضای پیرامون به‌راستی هاویه‌گون است، چون سازمان یافته و به‌درستی شناخته شده نیست، حدود و ساختارش، مشخص و معلوم نیست. ضمن اینکه فضای عرفانی، آشکارا در تضاد با فضای قدسی است، زیرا فضای قدسی دارای حدود مشخص و کاملاً ساختارمند است و به اصطلاح مرکزیت یافته و متمرکز است (زمردی: ۱۳۹۱). برترین تجلی‌گاه معماری قدسی در وادی مسلمین، در ساختار فیزیکی و معنایی مساجدی ظاهر شده که خود نمودی آشکار از توازن، تعادل، نظم و تجسم وحدانیت خداوند است (صادقی و همکاران: ۲۰۱۶). بنابراین پیوند میان هنر و معماری قدسی در بناها با به‌کارگیری عناصر چهارگانه و شناخت اسطوره‌ها (با نگاهی زمینی) متبلور می‌شود. عناصری که عناصر چهارگانه تشکیل‌دهنده شبکه معنایی متعلق به رمزپردازی زمین در اساطیر، بر شالوده‌ای از تضادهای میان چهار عنصر پایه و وحدت و یگانگی نهایی آن‌ها مبتنی شده است. در این نظام معنایی، دو آخشیخ خاک و باد در اساطیر، علاوه بر تقابل نمادینی که با دو عنصر دیگر (آب و آتش) دارند، خود صاحب ارزش‌های نمادین قائم به ذاتی هستند. از همین‌رو، این عناصر ابزار بیان قداست هستند و منجر به غنای حسی در بناهای قدسی می‌شوند. در این راستا، در طرح مسئله مقاله حاضر، به بررسی سیر هفت وادی عرفان از نگاه عطار در بنا قدسی (آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز) با رویکرد اسطوره‌شناختی پرداخته می‌شود.

پژوهش‌های پیشین در این زمینه در دو حوزه قابل‌بررسی است. نخست پژوهش‌ها و نظریه‌های کلانی که به رابطه میان هنر، معماری و امر قدسی پرداخته‌اند دوم، پژوهش‌هایی که معطوف به حوزه عرفان در هنر و معماری ایران بوده است. در عمده‌ترین پژوهش‌های عرفان در هنر و معماری و بناهای قدسی، حمزه‌نژاد (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود به بررسی اصول مفهومی طراحی بناهای مذهبی شیعه، پرداخته و دریافت که معماری مذهبی ایران نوسانات و حتی خروج از اعتدال‌هایی را در برخی دوره‌ها همچون دوره آذری نشان می‌دهد، ولی در کل سیری رو به پیشرفت در آن مشاهده می‌شود. رحیمی‌مهر (۲۰۱۳) به بررسی نقش رموز عرفانی در پایداری مجموعه آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی پرداخت و دریافت که در ضمیر سازندگان بنا این تصویرها بوده و به همراه آن‌ها چیزی معنوی‌تر و آن آرزوی درهم‌شکستن محدودیت بشری و دست‌یافتن به عروج و نقش‌ها و رنگ‌ها، آرزو جهانی بهتر را در خود دارند.

زمانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی-آیینی پرداختند و دریافتند که نتایج حاصل بیانگر آن است که باغ ایرانی نظامی حکیمانه و کمال‌گراست که عناصر طبیعی آب و گیاه را به نحوی در خود جای داده که نیازهای فیزیکی استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد، و در همان حال نیز به بعد ماوراءالطبیعه و معنوی آن توجه شده است. عبدالله‌زاده (۱۳۹۴) به بررسی معماری طبایع: تبیین رویکردی درباره نسبت انسان و محیط مصنوع بر مبنای چهارگانه‌ها با استفاده از روش تحقیق

توصیفی- تحلیلی پرداخت. نتایج بیانگر آن است که معماری طبایع، به جای بررسی انسان و محیط به مثابه دو امر شناختی متفاوت، این دو را به طریقی مشابه می‌شناسد و از سه طریق امکان طرح رویکرد طبایع تبیین می‌شود. حمزه نژاد و همکارانش (۱۳۹۴) به بررسی نقش باد در سلامت انسان در طب اسلامی و تأثیر آن در مکان‌یابی و ساختار شهرهای سنتی ایران با استفاده از روش تفسیری و استدالی پرداختند و دریافتند که باد به خاطر تأثیر مستقیمی که بر سلامت انسان دارد یکی از عناصر اولویت‌مند در کامیابی شهر و ساختار آن و معماری بومی هر منطقه است. صادقی و همکارانش (۱۳۹۵) به بررسی بازخوانی مفاهیم و ویژگی‌های معماری قدسی پرداختند و دریافتند که هنر قدسی رهیافتی باطنی، سیطره‌ای کیفی و تجلی‌گاه عالم روحانی است که در هر قالب، صور و ساحتی نفسانی و مادی که متجلی گردد، بیانگر ذات حقیقی و درونی اشیاست و همواره در تلاش است تا با بیانی متعالی و قرآینی عرفانی، عالم مادی را به گونه‌ای سامان دهد که دغدغه ذاتی و فطری آدمیان را که همانا دستیابی به شهود و وصال ساحت مقدس حق تعالی است، التیام بخشد. مهدی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۵) به بررسی جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی- اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری پرداختند و دریافتند که درک رابطه میان ذات و ماهیت هر پدیده، اساسی‌ترین لازمه آشنایی یا درک معماری اسلامی می‌باشد و این درک نیازمند آمادگی روحی خاصی است؛ و اگر کسی بسیار اهل تأمل همراه با اخلاق معنوی باشد، از راز عمیق وجود آن آگاه خواهد شد.

روش تحقیق پژوهش حاضر در سطوح مختلفی صورت گرفته است. در سطح اول، در بخش مبانی نظری پژوهش از روش تحقیق پساساختارگرایانه و تفسیری استفاده شده است. حال آنکه در سطح دوم که رویکرد تحقیق است، از رویکرد تحقیق کیفی بهره برده شده است. همچنین در بخش طرح تحقیق از روش‌های گوناگونی در مراحل مختلف پژوهش استفاده شده است. به گونه‌ای که از روش تفسیری تاریخی در مرحله خوانش فضاها در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز بهره گرفته شده است. همچنین از روش پدیدارشناختی نیز در مرحله تفسیر معنایی عرفان و سیر آن در این آرامگاه بهره گرفته شده است.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱.۱. اسطوره

اسطوره (میتولوژی) متضمن سرگذشتی قدسی، مینوی و راوی واقعه‌ای است که در زمان آغازین رخ داده و براساس تجربه زیستی انسان شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، اسطوره می‌گوید که در سایه اعمال برجسته موجودات فوق‌الطبیعی، واقعیتی چون کیهان، گیاهی خاص، کرداری پهلوانی، تمدنی جدید و... به وجود آمده است. از این‌رو، همیشه در بردارنده روایت یک خلقت است. در بینش اساطیری فوران و طغیان عنصر مینویی است که عالم را می‌سازد و بنیان می‌نهد و بر اثر مداخلات موجودات ما فوق‌الطبیعی است که همه کارها و فعالیت‌های انسانی معنی‌دار می‌شود و اسطوره‌شناسی روش جدیدی برای فهم معانی معماری گذشته ایران به اتکاء اسطوره‌ها است (ستاری: ۱۳۸۵). حماسه آفرینش کیهان،

سرگذشت آدمی، آغاز تمدن‌ها، آیین‌ها و مراسم، انسان‌های دینی و پهلوانی، جنیسیست، بارداری، شباب، مرگ، راز آموزی و... هم از مقولات روایت اساطیری هستند (Basid ۱۹۸۳).

۱،۲. معماری قدسی

از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی، واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد و جنبه‌ای کیفی است. معماری قدسی از نمادها در خلق فضاهای روحانی و انتقال مفاهیم الهی بهره می‌گیرد. نمادها تجلیاتی از مطلق در مقیدات هستند و صور نمادین که جنبه‌های محسوسی از واقعیت ماوراءطبیعی چیزهایند، موجودیت خود را دارند. انسان نمادها را نمی‌آفریند، بلکه به‌دست آن‌ها دگرگون می‌شود. موجودیت نمادها از این تمایل معکوس تبعیت می‌کند که «ادنی» جلوه‌گاه «اعلی» است (اردلان و بختیاری: ۱۳۹۰). درواقع، معماری قدسی با کیهان‌شناسی مأنوس و در ارتباط است و هرگونه خلاقیتی در آفرینش معماری قدسی تکراری است. از مثال اعلای آفرینش عالم و هر بنایی که اینک بنیان نهاده می‌شود، ریشه‌اش در مرکز عالم قرار دارد (Eliade: ۱۹۸۶). درواقع، معماری قدسی بر آن است تا با طراحی هدفمند و آگاهانه فضاهایی که یاد الهی را تجسم می‌بخشند، انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون سازد. در معماری قدسی، معمار، آفریننده نیست، بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت برمی‌دارد که همانند هنرهای طبیعت‌اند، هم‌زمان کارآیند و کیهانی، و عجین با اصالت تبیین، که حقیقت را از راه طریقت جست‌وجو می‌کند. حقیقتی که سراسر جمال و زیبایی است. معماری قدسی از آن‌رو زیباست که وابسته به مرکزی‌ترین کانون وظایف بشری و پیوند دادن و نزدیک ساختن آسمان و زمین است (Burkhart: ۱۹۹۷). معماری قدسی به‌مثابه ملموس‌ترین و محسوس‌ترین بخش از هنر قدسی، تصویر و بازتابی آشکار از نظم و وحدانیت حاکم در جهان هستی است. بنابراین اگر معماری، چیزی بیش از ساختار مادی، و حتی بیش از یک شکل زیباشناختی چشمگیر دانسته شود (Apham Pope: ۱۹۹۵). معماری قدسی، خلق بستری متعالی است که در آن وحدانیت، مرکز و اساس به‌وجود آمدن همه‌چیز است و آدمی وقار فطری و کمال باطنی‌اش را در آن باز می‌یابد؛ وحدانیتی که با تکثرات و تنوعات عناصر شکل می‌گیرد و به واقع زاده بستر کثرت است.

۱،۳. بناهای آرامگاهی

سلسله‌ها و نهضت‌های شیعه به زیارت مقابر و آرامگاه‌های بازماندگان حضرت علی (ع) اهمیت زیادی می‌دادند و همیشه در تلاش برای اسلامی کردن اماکن مقدسه سنتی و کهن ایرانی بودند. به دلیل دو ویژگی مهم مذهبی مقابر و آرامگاه‌ها در دوران اخیر رشد کردند؛ یکی به رستگاری رسیدن شخصی به‌وسیله شفاعت یک نفر قدیس و یا یک واقعه مقدس؛ و دیگری تلاش صنوف و سازمان‌های تصوف برای نسبت‌دادن خود به یکی از اولیاءالله. در برخی از شهرها آرامگاه‌ها به مکانی برای تمرکز روحی و تجمع‌های انسان‌هایی که از نقاط دوردست برای مجاورت با اولیاءالله می‌آمدند، مبدل شد. چنانچه توسعه نظم و نظام زمین‌داری فرماندهان نظامی لزوم یادبود استقرار سلطنت، عظمت و ثروت مقابر شخصی را شکل داد (Ettinghausen: ۲۰۱۲). در ایران آرامگاه سازی را نمی‌توان دقیقاً شناخت و ارائه کرد. در

ایران، از سده سوم هجری بنای آرامگاهی که بتوان تاریخی معینی را برای آن عنوان کرد باقی نمانده است. طبق نظر برخی پژوهشگران، آرامگاه‌های مطهر حضرت عبدالعظیم (ع)، امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) و آرامگاه آستانه اشرفیه (گیلان) نخستین آرامگاه‌های ایرانی بودند. از این‌رو، شاید بتوان یکی از نمونه‌های آغازین سنت آرامگاه‌سازی در ایران را آرامگاه هارون‌الرشید قلمداد کرد و زیربنای کوچکی برای پیدایش بنای آرامگاه امام رضا (ع) به‌شمار می‌رود، لیکن برخی محققان آرامگاه امیر سامانی در بخارا را جزء نخستین بناهای آرامگاهی در گسترده فرهنگ ایرانی می‌دانند و برخی دیگر نیز، نخستین آرامگاه اسلامی را قبه الصلیبه، آرامگاه مادر خلیفه المنتصر عباسی در سامرا منتسب به نیمه دوم قرن دوم هجری به‌شمار می‌آورند (Helen Brand: ۱۳۹۱).

۲. معرفی نمونه مورد مطالعه

آرامگاه شیخ عبدالصمد بنایی است از عهد ایلخانی که به‌طرز معناداری در کنار مسجد جامع نطنز قرار گرفته و سبب ایجاد مجموعه‌ای قدسی، رازآمیز و پرمعنا گشته است. این مکان در شهر نطنز یکی محل برپایی نماز و پاسداشت شریعت است و محفل طی طریق سالکان و عارفان و مکان پاسداشت طریقت. بنابه دست شاگردان و مریدان شیخ عبدالصمد از جمله عبدالرزاق کاشانی که خود از عرفای بزرگ است، ساخته شده است. به لحاظ کالبدی بقعه شیخ عبدالصمد نطنز دارای گنبد رک هشت ضلعی همراه با مناره‌ای به بلندی ۳۷ متر و محیطی ۱۲/۸ متر می‌باشد و با ۱۱۸ پله مارپیچی که مابین سردر مسجد و سردر خانقاه واقع شده‌اند، بنا شده است. در وسط صحن این بنا، گودال باغچه‌ای وجود دارد که با پلکان به جوی آبی ختم می‌شود و این جوی آب از قناتی که از زیر مسجد عبور می‌کند، سرچشمه می‌گیرد. از دیگر از عناصر شاخص مجموعه بنا، سردر ورودی بقعه است که با کاشیکاری آبی فیروزه‌ای پوشیده شده است و مصالح اصلی مجموعه، خشت و آجر است که به بنا رنگی از خاک بخشیده است. کاشیکاری فیروزه‌ای در سردر ورودی بقعه، گنبد هشت‌ضلعی بقعه و کف ایوان جنوبی، رنگ آبی فیروزه‌ای را با رنگ خاک درهم آمیخته است (تصویر ۱).



معرفی فضاهای بنا	
۱	درآیگاه بنا
۲	هشتی ورودی
۳	صحن
۴	جماعت‌خانه‌های شرقی و غربی (محل عبادات و ذکر اوراد جمعی)
۵	گنبدخانه
۶	صفه‌های شرقی، شمالی و جنوبی
۷	حجره‌ها (محل مراقبه فردی)
۸	دالان‌ها
۱۱	بقعه شیخ عبدالصمد

تصویر ۱. پلان و روابط فضایی خانقاه شیخ عبدالصمد نطنز (حمزه‌زاده و همکاران: ۱۳۹۹)

۳. سیر هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز

در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز، زائر در بدو ورود با خضوع و طمأنینگی که از طریق پله‌های ورودی اتفاق می‌افتد، وارد فضا می‌شود. چنین ورودی خضوع را ایجاد می‌کند و بهانه‌ای است برای قرار گرفتن در اولین وادی که طلب است. حال آنکه زائر با گذر از این مرحله وارد محیط صحن و حیاط شده و در این محیط به دلیل عدم وجود درختان و حضور آب، نمی‌تواند وادی دیگر عرفان را طی نماید. از این‌رو، زائر با نگاه به تزئینات به‌دنبال سیر به عالم دیگری از عرفان می‌پردازد. عالمی که پس از دیدن مقرنس‌کاری‌ها، کاشی‌کاری‌ها، گچ‌بری‌ها با نقوش گیاهی و استفاده از رنگ آبی و فیروزه‌ای در تزئینات، از هفت وادی عرفان به احدیت خداوند به توحید می‌رسد و همراه با آن استغنا و معرفت را درک می‌کند. پس از عبور از این سیر، زائر به فضای داخلی رفته و در فضای اصلی آرامگاه (فضای گنبدخانه و مقبره) به استغنا و توحید در اوج تفکر به خود و خودشناسی دست پیدا می‌کند و با زیارت مقابر و قرار گرفتن در فضای گنبدخانه که حس عروج را به وی القاء می‌کند، توانایی درک هویت انسانی خود را پیدا می‌کند و باتوجه‌به تابش نور در محیط داخلی به رحمت و بخشایش الهی دست می‌یابد. از این‌رو، از نگاه هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز تنها چهار وادی می‌تواند طی شود.

فرم و هندسه: این دسته از بناها به علت مخاطبان خاص خود که عارفان می‌باشند به‌گونه‌ای طراحی شده اند که پاسخگوی نیازهای آن‌ها هستند. بنابراین طراحی گویا و فاقد هرگونه ناخوانایی در ورودی‌ها و دسترسی‌ها است. پلان‌ها متقارن می‌باشند و هندسه مشخص در آن‌ها به‌کار رفته است. فضاها شامل مقبره اصلی، مسجد، خانقاه، ایوان‌ها می‌باشند. فرم بناها غیرمنظم است که اجزای آن نیز به حالتی نامنظم با هم ارتباط برقرار کرده‌اند و طبیعتاً غیرمتعادل می‌باشند. این نوع فرم‌های نامنظم بیانگر آشفتگی در حرکت هستند که به سبب این نوع آشفتگی ساماندهی فضاها را تا حدودی برهم می‌زنند.

دسترسی‌ها: تعداد ورودی‌ها به این مجموعه بیش از یک ورودی است که در حالت عمومی به چند دلیل برای یک بنا ورودی‌های متعدد می‌ساختند: امکان بهره‌برداری از فضاهایی با کارکردهای متفاوت با سهولت دسترسی به بنا برای عده زیادی از مراجعه‌کنندگان و سهولت دسترسی به بنا از معابر و نقاط مختلف. از این‌رو، این مسجد مسجد سه ورودی دارد، یک ورودی جنوبی و دو ورودی شمالی، ورودی‌های سمت شمال هم‌سطح حیاط هستند، ولی ورودی جنوبی دهلیزی است که با ۱۲ پله بلند به کف راهرو مسجد می‌رسد.

ورود با خضوع و طمأنینه: با قراردادن این بناها در دسته بناهای مذهبی، فضای ورودی و شکل مسیر حرکت را به‌گونه‌ای طراحی می‌کردند که ورود به داخل بنا با خضوع و طمأنینه صورت گیرد و معمولاً در این حالت شکل مسیر را به‌صورت غیرمستقیم طراحی می‌کردند و در مواردی که مسیر ورود مستقیم بود برای ورود با خضوع طول مسیر را زیاد می‌کردند. از این‌رو، در این آرامگاه در ابتدای ورودی تعدادی پله قرار داده شده است که زائر در بدو ورود با خضوع به فضای این آرامگاه وارد شود.

ارتباط فضایی: شیوه‌اصلی ارتباط فضاهای گوناگون در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز از طریق سازماندهی آن‌ها با یک فضای مشترک انجام می‌گیرد. این فضای مشترک یا سوم برای اینکه عملکرد فضای حیاط، خلوت‌ها و یا رواق‌ها هستند و سبب سازماندهی این نوع فضاها در کلیت بناها شده‌اند.

گنبد: اولین عنصر مورد توجه در بنا حضور گنبد بر بالای مقابر ایلخانیان است. گنبد یک اثر هنری واقعی است. آمیزه‌ای عالی از مجسمه‌سازی و معماری در فضا، یک طاق ایجاد شده به وسیله انسان که تداعی‌کننده طاق بهشت است. نقوش بی‌نظیر گنبد یادآور آسمان و عروج ملکوتی است. فضای زیر گنبد مانند آسمان بر فراز زمین گسترده است و گنبدها روح انسان را با عالم ملکوت پیوند می‌رند. مرکز گنبد نشانه وحدت و یگانگی است. حال گنبد آرامگاه شیخ عبدالصمد از حالت گنبدی به مخروطی تغییر شکل داده است، لیکن به لحاظ القاء مفهوم با مفاهیم گنبد هم‌خوانی دارد.

تزئینات: تزئینات این آرامگاه مخاطب را به هدف اصلی که عرفان و سلوک است نزدیک می‌کند. کاشی‌کاری‌های هفت رنگ و معقلی با رنگ غالب آبی و فیروزه‌ای (رنگ‌های آرامش‌بخش) نقشی به‌سزا در این حالت عرفانی دارند. در پوشش زیرین گنبدها مقرنس‌کاری‌های گچی با طرح گل و گلبرگ که به سمت پایین باز شده‌اند و نقوش اصلی آن‌ها از عناصر گیاهی است و در بردارنده مفاهیم عرفانی می‌باشند؛ نیز به این امر کمک به‌سزایی کرده‌اند. در قسمت قاعده گنبد کتیبه‌ای به‌صورت گچبری برجسته به خط ثلث روی زمینه گل و بوته کار شده است که شامل آخر آیه ۱۶۷ و ۱۶۸ و بخش اول آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران بوده‌است و این امر نیز به عرفانی‌کردن این آرامگاه کمک شایانی کرده است.

نور و دید: بازشوهایی که در فضاها وجود دارند نقش به‌سزایی در تأمین نور، تهویه دید نداشتن به فضا، بسته‌بودن فضا و میزان خصوصی‌بودن دارند. بازشوهای موجود که بیشتر در بدنه گنبد قرار دارند و پنجره‌هایی مشبک از چوب در جلوی آن‌ها جهت تنظیم و تعدیل نور و کاستن از شدت نور مستقیم خورشید نصب گشته است، سبب ورود نور و ایجاد سایه روشن‌های عرفانی در فضا گشته است؛ این عمل فرم‌های داخل فضا را از یکدیگر تفکیک می‌نماید.

درختان و حوض: این بنا فاقد فضای سبز و درخت است. تنها قناتی در این بنا وجود دارد که از طریق گودال باغچه می‌توان به آن دسترسی داشت.

جدول ۱. روابط میان عناصر آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز با هفت وادی عرفان. (منبع: نگارنگان)

عناصر	ویژگی	نحوه ارتباط با عرفان
فرم و هندسه	نامنظم عدم تقارن	طی طریق هفت وادی عرفان به صورت غیرخطی است؛ از این رو نتوانسته است با عرفان ارتباط برقرار سازد.
دسترسی	با ایجاد پله در قسمت ورودی که از سطح تراز خیابان پایین تر است.	چنین ورودی خضوع را ایجاد می کند و بهانه ای است برای قرارگرفتن در اولین وادی که طلب است.
درختان و حوض	-	-
تزئینات	مقرنس های لانه زنبوری در بالای کتیبه گچبری شده مقبره و در روی هشت نقطه اصلی نیم ستون های زوایای آن مورخ ۷۰۷ هجری است. کاشی کاری های آبی و فیروزه ای همراه با کتیبه نگاری در ایوان ها	مخاطب پس از دیدن این مقرنس کاری ها، کاشی کاری های گچ بری با نقوش گیاهی و استفاده از رنگ آبی و فیروزه ای در تزئینات، از هفت وادی عرفان به احدیت خداوند به توحید می رسد و همراه با آن استغنا و معرفت را درک می نماید.
گنبدخانه	قرار داشتن در مرکز بنا مرکز گنبد نشانه وحدت و یگانگی است.	عارف در مراحل بعدی معرفت، استغنا و توحید در اوج تفکر به خود و خودشناسی است. با زیارت مقابر و قرار گرفتن در فضای گنبدخانه که حس عروج است توانایی درک هویت انسانی خود را پیدا می کند.
نور	غیرمستقیم و کنترل شده و از بدنه سقف گنبدخانه	نور پرتو ذات پاک و مقدس الهی است و باعث دلگرمی دل عارف به رحمت و بخشایش الهی است.

باتوجه به ادراکات محسوسات و معلومات در این آرامگاه می توان بیان کرد که ادراکات حسی، وجهی از حالات آگاهانه و حیث التفاتی فهم عالم محسوب می شود و بر برداشت معانی از امر محسوس در ذهن مخاطب فضا مؤثر است. معماران مجموعه بنای آستانه آرامگاه شیخ عبدالصمد کوشیده اند جهان های حسی متعددی را خلق کنند. حرکت در این بنا، از یک حیطة بویایی با وزش باد بر روی خاک به حیطة ای دیگر اتفاق می افتد. در جلوخان، بوی خاک که بر اثر تابش آفتاب، داغ شده است از زمین و جداره ها، فضا را پر می کند و اسطوره مرگ و نیز اسطوره آفرینش و پیوند سرشتی انسان با خاک را می رساند. از منظر ادراکات بساواپی، موقعیت و میزان تابش آفتاب بر سطح پوست و نیز تأثیر رطوبت هوا بر آن، وجود و عدم سایه و میزان آن در صحن های مختلف کیفیت هایی را خلق کرده است که در هر فضا، معنای متفاوتی را می رساند. لطافت داده های بساواپی در صحن جلوخان با زمختی کالبد بنا تعدیل گشته و شدت داده های بساواپی در صحن و فضاهای داخل آرامگاه با کاشی کاری جداره ها، مقرنس کاری سقف ها و گچبری های به کار رفته با

نقوش گیاهی تلطیف شده است. داده‌های بساوبی در این مجموعه، عمدتاً بر پیوند انسان با خاک و نور تأکید دارد و مخاطب را از حیث وجود با خود یکی می‌کند.

نتیجه‌گیری

معماری آرامگاهی در ایران به‌ویژه مزار بزرگان و عرفا از قرن هشتم هجری به بعد که اندیشه‌های اسلامی و باورهای عرفانی در ایران تعمیق یافته است، متأثر از نگاه معناگرایی قدسی و عرفانی بوده و اندیشه‌های عرفانی و اسطوره‌های را در خود متبلور ساخته است. بنابراین، عناصر، اجزا، فضاها، نشانه‌ها و روابط فضایی و انحا حضور انسان در فضاها فراتر از تجسد امر مادی خود است. بر این اساس، در این پژوهش نتایج قضایای استدلال نشان می‌دهد که سلسله‌مراتب فضایی در آرامگاه‌های مورد بررسی، تنوع ظهور عناصر چهارگانه و مواجهه مرتبه‌مند انسان از ورودی تا مقبره مبتنی بر دیدگاه اسطوره‌شناختی آن عناصر معنادار است. در تحلیل بناهای منتخب، به اتکای فهم اسفار اربعه عرفانی، سیر از خاک به آب، هوا و آتش و عبور از دنیا به سمت برزخ و آخرت، در تطبیق با عناصر چهارگانه، دریافت‌های حسی فضاها، تصاویر مثالی عناصر و اجزا و تناسبات و حرکت به سمت عالم خیال به‌نجوی آگاهانه به‌کار برده شده است که بازنمایی اسطوره‌آفرینش و مرگ، در گذار از توالی فضاها قابل ادراک و فهم است. به اتکای قضایای تجربی، تحلیلی و متافیزیکی مبتنی بر پدیدارشناختی ذهن در استدلال منطقی در بحث، معرفت‌شهودی ادراک فضا، رفتاری کهن‌الگویی را در کاربران ایجاد می‌کند که هدف آن توجه به عالم ماوراء و ادراک امر قدسی است.

دیدگاه عطار در میان صاحب‌نظران مختلف دارای تأثیرگذاری بالاتری است و شواهد موجود در مجموعه شیخ عبدالصمد نطنز نشان از آن دارد که این مراحل با نظرات عطار قرابت بیشتری دارد. عطار در اشعار خویش از هفت وادی نام می‌برد و پس از این مراحل از مرتبه‌ای یاد می‌کند که دیگر نمی‌توان نامی بر آن نهاد و در آنجا دیگر روش معنی خود را از دست می‌دهد: طلب، عشق، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا. حال این هفت وادی عرفان در آرامگاه شیخ عبدالصمد نطنز از طریق عناصر معمارانه که در وهله اول سبب خضوع و فروتنی هنگام ورود می‌گردد به‌خوبی رعایت شده است، درحالی که در مرحله دوم عرفان (فرم و هندسه) این آرامگاه با فرمی نامنظم بیانگر آشفتگی در حرکت است که موجب برهم‌زدن ساماندهی فضاها می‌شود. از آنجایی که طی طریق هفت وادی عرفان به‌صورت غیرخطی است، از این‌رو، نتوانسته است با عرفان ارتباط برقرار سازد. تزئینات در این آرامگاه سبب گشته است تا مخاطب از هفت وادی عرفان به احدیت خداوند به توحید برسد و همراه با آن استغنا و معرفت را درک کند و در مراحل بعدی معرفت، استغنا و توحید در اوج تفکر به خود و خودشناسی با زیارت مقابر و قرارگرفتن در فضای گنبدخانه که حس عروج است، درک نماید. لذا به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که در این آرامگاه تنها یک مرحله عرفان از نگاه عطار مورد توجه معمار نبوده است، آن هم فرم و هندسه این آرامگاه است.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۹۰). حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه: حمید شاهرخ. تهران: نشر خاک.

الیاده، م. (۱۹۸۶). نمادشناسی قدسی و هنر. ترجمه: مانی صالحی علامه، چ ۱، تهران: انتشارات نیلوفر.

اتینگهاوزن، ریچارد. (۱۴۰۱). معماری اسلامی (۱). ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.

بسید، روژه. (۱۹۸۳). دانش اساطیران. تهران: انتشارات توس.

بورکهارت، تیتوس. (۱۹۹۷). مروری بر اصول و فلسفه هنر اسلامی. ترجمه: دکتر غلامرضا اعوانی، از مجموعه مبانی هنر معنوی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

پوپ، آرتور. (۱۳۸۸). معماری ایرانی. ترجمه: زهرا قاسمعلی، تهران: انتشارات سمیرا.

ساتری، جلال. (۱۳۸۵). جلال مدخل رمزنگاری عرفانی. تهران: نشر مرکز.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معارف و امر قدسی. ترجمه: فرزاد حاجی میرزایی، تهران: فرزاد. نشر.

هلن برند، رابرت. (۱۳۹۱). معماری اسلامی (شکل، عملکرد و معنا). ترجمه: باقر آیت‌الله‌زاده، تهران: انتشارات روزنه.

مقالات

رحیمی مهر، وحیده. (۱۳۹۲). «نقش رمزهای عرفانی در پایداری آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۴، ۱۱۵-۱۳۱.

رهبرنیا، زهرا؛ رهنورد، زهرا. (۱۳۹۵). «مواجهه با هنر مقدس با فناوری». مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۱۰۸-۱۰۱.

زمانی، احسان؛ لیلیان، محمدرضا، امیرخانی، ع و اخوت، ح. (۱۳۹۴). «شناخت و تحلیل جایگاه عناصر در باغ ایرانی با تأکید بر مبانی دینی». فصلنامه باغ نظر، شماره یازدهم، ۳۵-۲۸.

زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). «مسجد بی‌نظیر گوهرشاد و هنرهای قدسی معماری». فصلنامه مطالعات شهر اسلامی ایرانی، شماره ۶، صص ۱۷-۳۲.

زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۲). «معماری مساجد ایران و هنرهای مقدس آن». فصلنامه شهرشناسی ایرانی - اسلامی، شماره ۱۵، ۲۰-۵.

حق‌طلب، طاهره، کاروان، فرهاد. (۲۰۱۲). «مسجد مظهر معماری قدسی». مجله هفت حصار، شماره اول، ۲۸-۲۱.

- حمزه‌نژاد، مهدی؛ اکبری، علی و انصاری، شبنم. (۲۰۲۰). «تجسم تضاد و همخوانی اندیشه‌های موهوم در دو بنای متبرکه مجاور (مسجد جامع و حرم شیخ عبدالصمد در نطنز)». جریان، ۸ (۲): ۱۷-۳۸.
- صادقی، علیرضا؛ احمدی، فریال و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بازخوانی مفاهیم و ویژگی‌های معماری قدسی». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۵، ۱۱۵-۱۰۶.
- عبدالله‌زاده، محمدمهدی. (۱۳۹۴). «معماری طبیعت: تبیین رویکردی به رابطه انسان و محیط مصنوعی براساس ربع». مجله مطالعات معماری ایران، شماره ۸، ۱۳۷-۱۵۶.
- فروزان کیا، اسماعیل؛ استاجی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «تجلی آتش در اساطیر و ادیان». مجموعه مقالات پنجمین همایش پژوهشی زبان و ادبیات فارسی.
- مرادی، ع؛ نوراللهی، م. عبدالله؛ ع. (۲۰۱۴). «هنر قدسی، معماری اسلامی». دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- موسوی، ج. (۱۳۹۲). معماری مقدس و هنر معنوی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸، ص ۶۶-۷۰.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ طاهر طلوع دل، محمدصادق؛ عظمتی، حمیدرضا، صادقی و حبیب‌آباد، علی. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های معماری و هنرهای مقدس ایرانی-اسلامی براساس تعالی معماری». پژوهش هستی‌شناسانه دوفصلنامه علمی-پژوهشی، دوره ۵، شماره ۱۰، ۵۰-۳۱.

پایان نامه‌ها

- حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۱). «مبانی مفهومی طراحی بناهای مذهبی شیعه». پایان‌نامه دکتری، عبدالحمید نقره‌کار و غلامحسین معماریان، دانشگاه علم و صنعت.